

Examining the level of achievement of the goals of Arabic language education in Iranian schools from the point of view of experts, focusing on the content of textbooks

Isa Motaghizadeh¹, Khalil parvini², Fateme Pourkarami³

¹Professor of Arabic Language and Literature, Faculty Member at Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Responsible author)
motaghizadeh@modares.ac.ir

²Professor of Arabic Language and Literature Faculty Member at Tarbiat Modares University. Tehran. Iran, parvini@modares.ac.ir

³Master's in Arabic Language Education Arabic Teacher for Secondary Education. Kerman. Iran fateme.pourkarami@modares.ac.ir



Abstract

Educational goals are the most fundamental elements in writing educational books, as the content is designed to achieve these objectives. One of the key educational goals of Arabic textbooks is to enable students to understand the Qur'an and basic religious texts. Given that over seven years have passed since the publication of the author's new Arabic textbooks, it is essential to conduct research evaluating their success in meeting the objectives of Arabic language instruction in schools. This study employs a survey method and interviews to assess the alignment of Arabic textbook content with its stated educational goals and the extent to which these goals have been achieved. Data was collected through fully structured interviews. The research population consists of professors of Arabic language and literature, with a purposive sample of ten Arabic language experts familiar with the new textbooks. The findings reveal that 63% of respondents rated the alignment of the Arabic textbook content with the curriculum's educational goals as "weak," while 52% evaluated the content's success in achieving these goals as "low." This lack of success stems partly from the content itself and partly from external factors influencing the teaching process.

Keywords: Arabic language education, new Arabic textbook, educational objectives, content analysis, interview



Date Received: 2024/09/07 ; Revision date: 2025/05/18 ; Date of admission: 2025/05/24 ; Online publication date: 2025/07/01

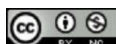
Citation of this article: Motaghizadeh, Isa ; parvini, Khalil; Pourkarami, Fateme (2025). Examining the level of achievement of the goals of Arabic language education in Iranian schools from the point of view of experts, focusing on the content of textbooks. *Research in Arabic language and literature education*, 7(1), pp. 5-31. 

Publisher: Farhangian University

© the authors

[http:// https://amozesharabi.cfu.ac.ir](http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir)

Article type: Research Article



دراسة مدى تحقيق أهداف تعليم اللغة العربية في مدارس إيران من وجهة نظر المتخصصين مع التركيز على محتوى الكتب الدراسية

عيسى متقيزاده^١، خليل پرويني^٢، فاطمه پوركرمي^٣

^١استاد زبان و ادبيات عربی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران motaghizadeh@modares.ac.ir

^٢استاد زبان و ادبيات عربی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران parvini@modares.ac.ir

^٣کارشناسی ارشد آموزش زبان عربی، کرمان، ایران fateme.pourkarami@modares.ac.ir



الملخص

تعد الأهداف التربوية من أهم ركائز تأليف الكتب التعليمية، حيث يتم إعداد المحتوى التعليمي لتحقيق هذه الأهداف. ومن أبرز الأهداف التربوية لكتب اللغة العربية الدراسية فهم القرآن الكريم والنصوص الدينية البسيطة. ونظراً لمرور أكثر من سبع سنوات على تأليف الكتب العربية الجديدة، أصبح من الضروري إجراء بحث حول مدى نجاح هذه الكتب في تحقيق أهداف تعليم اللغة العربية في المدارس. في هذا البحث، نسعى باستخدام منهج المسح وأداة المقابلة إلى تحليل الكتب الدراسية العربية لمعرفة مدى ملائمة المحتوى التعليمي العربي للأهداف التربوية ودرجة تحققها. وقد تم جمع البيانات من خلال مقابلات منظمة بالكامل. تكوّن مجتمع البحث من أساتذة اللغة العربية وآدابها في الجامعات الإيرانية، بينما تضمنت العينة عشرة مختصين باللغة العربية ملّمين بالكتب العربية الجديدة، وذلك باستخدام أسلوب العينة الهادفة. تظهر نتائج البحث أن ٦٣٪ من المشاركين قد قِيمُوا ملائمة المحتوى التعليمي العربي مع الأهداف التربوية الواردة في المنهج الدراسي العربي بأنها "ضعيفة"، بينما قِيمَ ٥٢٪ منهم درجة نجاح المحتوى في تحقيق الأهداف التربوية بأنها "منخفضة". ويرجع جزء من هذا الضعف إلى المحتوى نفسه، بينما يعزى الجزء الآخر إلى عوامل خارجية تؤثر في عملية التدريس.

الكلمات المفتاحية: تعليم اللغة العربية، الكتب الدراسية العربية الجديدة، الأهداف التربوية، تحليل المحتوى، المقابلة

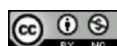


تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٣/٠٣ تاريخ المراجعة: ١٤٤٦/١١/٢٠ تاريخ القبول: ١٤٤٦/١١/٢٦ تاريخ النشر على الإنترنت: ١٤٤٧/٠١/٠٥

المقال مستند إلى: متقيزاده، عيسى؛ پرويني، خليل؛ پوركرمي، فاطمه (١٤٤٧). دراسة مدى تحقيق أهداف تعليم اللغة العربية في مدارس إيران من وجهة

نظر المتخصصين مع التركيز على محتوى الكتب الدراسية. بحث في تعليم اللغة العربية وآدابها، ٧(١)، ص ٣١-٥.

الناشر: جامعة فرهنجان <http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir> © المؤلفون نوع المقال: مقال بحثي



بررسی میزان تحقق اهداف آموزش زبان عربی در مدارس ایران از نظر متخصصان با تمرکز بر محتوای کتاب‌های درسی

عیسی متقی‌زاده^۱، خلیل پروینی^۲، فاطمه پورکریمی^۳

^۱استاد زبان و ادبیات عربی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران motaghizadeh@modares.ac.ir

^۲استاد زبان و ادبیات عربی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران parvini@modares.ac.ir

^۳کارشناسی ارشد آموزش زبان عربی، کرمان، ایران fateme.pourkarami@modares.ac.ir



چکیده

اهداف آموزشی مهم‌ترین ارکان نگارش کتاب‌های آموزشی هستند و محتوای آموزشی برای رسیدن به این اهداف نوشته می‌شود. از مهم‌ترین اهداف آموزشی کتاب‌های درسی عربی، فهم قرآن و متون دینی ساده است. با توجه به اینکه بیش از ۷ سال از نگارش کتاب‌های عربی جدیدالتألیف گذشته است، پژوهشی در خصوص بررسی میزان موفقیت این کتاب‌ها در تحقق اهداف آموزش زبان عربی در مدارس ضروری است. در این پژوهش می‌کوشیم با روش پیمایشی و ابزار مصاحبه به بررسی کتاب‌های درسی عربی بپردازیم تا به میزان تناسب محتوای آموزشی عربی با اهداف آموزشی و میزان تحقق اهداف آن پی ببریم. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه کاملاً ساختاریافته انجام شده است. جامعه پژوهش شامل استادان زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های ایران بوده و نمونه‌گیری به صورت هدفمند شامل ده متخصص زبان عربی آشنا با کتب درسی عربی جدیدالتألیف انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۶۳ درصد افراد تناسب محتوای آموزشی عربی با اهداف آموزشی مندرج در برنامه درسی عربی را «ضعیف» و ۵۲ درصد افراد میزان موفقیت محتوا در دستیابی به اهداف درسی را «کم» ارزیابی کرده‌اند. بخشی از عوامل این ضعف مربوط به محتوا و بخش دیگر مربوط به عوامل خارجی مؤثر در تدریس است.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان عربی، کتب درسی عربی جدید، اهداف آموزشی، تحلیل محتوا، مصاحبه



۱_ مقدمه

نظام آموزشی ایران به‌عنوان یک نظام متمرکز، کتاب‌های درسی را به‌عنوان اصلی‌ترین و مؤثرترین ابزار تحقق اهداف آموزشی به‌کار می‌گیرد. در این ساختار، طراحی و سازماندهی محتوای آموزشی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه کیفیت این محتوا تأثیر مستقیمی بر میزان موفقیت نظام آموزشی در دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده دارد. در میان دروس مختلف، آموزش زبان عربی از جایگاه ممتاز و بی‌نظیری برخوردار است که ریشه در الزامات قانونی، فرهنگی و دینی کشور دارد. اهمیت آموزش زبان عربی در نظام آموزشی ایران تا بدان حد است که در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت بر آموزش این زبان پس از دوره ابتدایی تأکید شده است.

«از آنجاکه زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.» (قانون اساسی، اصل ۱۶)

این تأکید قانونی نشان‌دهنده نگاه راهبردی به زبان عربی به‌عنوان کلید فهم متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) است برنامه درسی ملی آموزش زبان عربی با درک این اهمیت و به‌استناد کتب درسی و اسناد بالادستی چهار هدف کلیدی را دنبال می‌کند: نخست، توسعه توانایی فهم و درک متون دینی؛ دوم، تقویت مهارت خواندن و درک مطلب متون عربی؛ سوم، آشنایی با میراث غنی ادبیات عرب؛ و چهارم، ایجاد توانایی بهره‌گیری عملی از زبان عربی در موقعیت‌های واقعی زندگی.

در سال‌های اخیر، کتاب‌های درسی عربی دستخوش تحولات اساسی شده‌اند. کتاب‌های جدیدالتألیف با رویکردی نوین و با هدف پاسخگویی به نیازهای واقعی دانش‌آموزان طراحی شده‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تأکید بر مهارت‌های ارتباطی و موقعیت‌های کاربردی زبان، تنوع محتوایی شامل متون دینی، ادبی و موضوعات معاصر، طراحی فعالیت‌های گروهی و پروژه‌محور برای یادگیری فعال، بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی نوین از جمله فایل‌های صوتی و تصویری و تلاش برای ایجاد ارتباط بین زبان عربی و زندگی روزمره دانش‌آموزان.

باوجود این تحولات مثبت، پرسش اساسی این است که آیا این تغییرات محتوایی توانسته‌اند به‌طور مؤثر و کارآمد به اهداف تعیین‌شده در برنامه درسی ملی دست یابند؟ بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های محسوس در طراحی محتوای آموزشی، هنوز چالش‌های اساسی در زمینه کارایی آموزشی این منابع وجود دارد. برخی از این چالش‌ها شامل فاصله بین محتوای

آموزشی و نیازهای واقعی یادگیرندگان، کم‌توجهی به مهارت‌های شفاهی زبان و چالش‌های مربوط به انگیزش دانش‌آموزان در یادگیری زبان عربی است.

این پژوهش با تمرکز بر کتاب‌های درسی عربی دوره دوم متوسطه در رشته‌های ریاضی-فیزیک و علوم تجربی، در پی ارزیابی دقیق و همه‌جانبه میزان تحقق اهداف آموزشی است. در این مطالعه، از دیدگاه‌های متخصصان آموزش زبان عربی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور به‌عنوان معیاری معتبر برای سنجش کیفیت محتوای آموزشی استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند تصویر روشنی از نقاط قوت و ضعف محتوای موجود ارائه دهد و مبنای علمی مناسبی برای برنامه‌ریزی‌های آینده در زمینه تألیف و بازنگری کتاب‌های درسی عربی باشد.

اهمیت این مطالعه زمانی آشکارتر می‌شود که به نقش محوری زبان عربی در فهم معارف دینی و توسعه گفتمان علمی در حوزه‌های مرتبط توجه کنیم. نتایج این تحقیق می‌تواند برای سیاست‌گذاران آموزشی، برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتاب‌های درسی و معلمان زبان عربی راهگشا باشد. از سوی دیگر، این مطالعه می‌تواند الگویی برای بررسی سایر کتاب‌های درسی در نظام آموزشی کشور ارائه دهد.

درصد پاسخ‌گویی به این مسئله دو سؤال زیر مطرح شده است:

۱. تا چه حد محتوای کتاب‌های درسی عربی، با اهداف آموزشی مندرج در برنامه درسی، منطبق است؟

۲. تا چه حد اهداف آموزش زبان عربی در متوسطه دوم محقق شده است؟

۲-پیشینه تحقیق

سیفی و اشتاء (۱۴۰۳) در مقاله‌ای در مجله پژوهش در آموزش زبان عربی، شماره ۵ (۱) «تحلیل و نقد محتوای کتاب‌های عربی، زبان قرآن ۲ و ۳ پایه یازدهم و دوازدهم (رشته‌های علوم تجربی-ریاضی) براساس نظریه تایلر در بررسی ملاک‌های سازماندهی محتوا» نشان دادند که در کتاب‌های عربی یازدهم و دوازدهم، از ۱۱ درس، تنها ۴ درس اصول وحدت و استمرار و ۸ درس اصل توالی را رعایت کرده‌اند. در بخش قواعد، اصول توالی و استمرار به‌طور کلی رعایت شده است.

جمشیدی و بیانلو (۱۴۰۱) در مقاله‌ای در مجله دراسات فی تعلیم اللغة العربیة وتعلمها، شماره ۶ (۱۲) با عنوان «ارزشیابی کتاب عربی پایه دهم متوسطه در مدارس ایران براساس پرسشنامه اسکرسو» دریافتند که کتاب عربی دهم بیش‌ازحد بر ترجمه تأکید دارد و به مهارت‌های زبانی و راهنمای معلم توجه کافی نشده است.

تقی‌زاده و ناصری سراب‌بادیه (۱۳۹۹) در مقاله «ملاک‌های تحلیل و سازماندهی محتوا در آموزش زبان عربی (مطالعه موردی: کتاب عربی دهم غیر انسانی)» در مجله پویا در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، شماره ۲۰ نتیجه گرفتند که کتاب عربی دهم از نظر معیارهای سازماندهی محتوا در سطح قابل‌قبولی قرار دارد.

لامعی‌گیو و مقبولی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی تطبیقی میزان اثربخشی آموزشی کتاب‌های تازه تألیف عربی متوسطه اول و دوم از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان شهرستان بیرجند» در مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۴ (۴۹) دریافتند که باوجود کاهش تمرکز بر قواعد، کتاب‌های جدید نتوانسته‌اند علاقه دانش‌آموزان را جلب کنند.

زارع و کارگر (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل تمارین کتاب العربیة للصفین العاشر والحادی عشر المتوسطه الثانیه بالمدارس الإیرانیة فی ضوء تصنیف بلوم للأهداف المعرفیة» در مجله دراسات فی تعلیم اللغة العربیة وتعلمها، شماره ۳ (۵) نشان دادند که تمرین‌های کتاب‌های عربی عمدتاً در سطوح فهم و کاربرد بلوم قرار دارند و پراکندگی نامناسبی دارند.

حکیم‌زاده و همکاران در دو پژوهش انجام داده‌اند: (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی مشکلات و چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران از نظر متخصصان» در پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۱۵ (۳۴) چالش‌های آموزش عربی را ناشی از مسائل فرهنگی، سیاسی و نظام آموزشی دانستند.

و (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی میزان کارآمدی آموزش زبان عربی در مقطع متوسطه از نظر دبیران و دانش‌آموزان شهرستان کرمان» جستارهای زبانی، شماره ۶ (۲) دریافتند که محتوای کتب درسی با اهداف برنامه درسی تناسب کافی ندارد. باوجود پژوهش‌های متعدد، بررسی میزان انطباق محتوای کتب جدید عربی (رشته‌های ریاضی/تجربی) با اهداف آموزشی از طریق مصاحبه با متخصصان، موضوعی است که تاکنون مطالعه نشده و انجام آن ضروری است.

۳- ادبیات نظری

این پژوهش به بررسی ارزشیابی برنامه درسی، به‌ویژه در حوزه آموزش زبان عربی، می‌پردازد. ارزشیابی به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی برنامه‌ریزی درسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود کیفیت آموزش و اثربخشی برنامه درسی ایفا می‌کند. ارزشیابی به معنای تعیین ارزش برای چیزی یا داوری ارزشی کردن است (سیف، ۱۳۹۵، ص. ۳۸). تاپلر، از پیشگامان این حوزه، رویکرد هدف‌محور به ارزشیابی دارد و معتقد است که ارزشیابی باید بر سنجش دستیابی به اهداف آموزشی متمرکز باشد (وفایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۹۶).

۸۰). این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا با ارزیابی مستقیم اهداف آموزشی، درک عمیق‌تری از چالش‌ها و موفقیت‌های موجود در محتوای کتاب‌های درسی و تأثیر آن‌ها بر یادگیری دانش‌آموزان به‌دست‌آوریم.

اهداف آموزشی رکن اصلی فرآیند آموزش هستند و فعالیت‌ها و نتایج مطلوب آموزش را تعیین می‌کنند. هاربر اهداف آموزشی را به‌عنوان نتایج آموزش تعریف می‌کند، نه امیال و آرزوها. منظور از نتایج آموزش، تغییراتی است که پس از آموزش در فراگیران ایجاد می‌شود (سیف، ۱۳۹۶، ص. ۲۸). محتوا، به‌عنوان عنصر دوم برنامه درسی، چیزی است که آموزش داده می‌شود. در نظام آموزشی متمرکز ایران، کتاب‌های درسی محتوای آموزشی اصلی هستند و نقش مهمی در تحقق اهداف آموزشی ایفا می‌کنند. حسن‌مرادی کتاب درسی را به‌عنوان اصلی‌ترین و مؤثرترین مرجع علمی برای هدایت فعالیت‌های معلم و دانش‌آموز در جهت تحقق اهداف آموزشی تعریف می‌کند (حسن‌مرادی، ۱۳۹۳، صص. ۴۹ و ۵۲).

ارتباط تنگاتنگ میان اهداف آموزشی، محتوای آموزشی و ارزشیابی نشان‌دهنده اهمیت این عناصر در فرآیند یاددهی-یادگیری است. اهداف آموزشی مشخص می‌کنند که چه نتایجی باید حاصل شود، محتوا به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به این اهداف عمل می‌کند و ارزشیابی ابزاری است که با کمک آن می‌توان بررسی کرد که آیا اهداف آموزشی تحقق یافته‌اند یا خیر. همسویی این سه عنصر نه تنها به بهبود کیفیت آموزش کمک می‌کند، بلکه به معلمان این امکان را می‌دهد که برنامه درسی را به‌طور مداوم ارزیابی کرده و بهبود بخشند.

در آموزش زبان عربی، رویکرد برنامه درسی از قاعده‌محوری به متن‌محوری گرایش یافته‌است. سند راهنمای برنامه درسی، رویکرد حاکم بر تدریس زبان عربی را بر پایه مهارت‌های چهارگانه زبانی برای فهم عبارات و متون دینی و فرهنگ اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی بیان می‌کند (راهنمای برنامه درسی عربی راهنمایی و متوسطه، ۱۳۹۰، ص. ۱۲). انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان دور اول متوسطه بتوانند عبارات کوتاه و ساده در متون دینی و ادبی را فهمیده و در پایان دور دوم متوسطه به فهم ساختارها و متون پیچیده‌تر برسند. مهارت سخن گفتن نیز در حد جمله‌های ساده و پرکاربرد مورد انتظار است (راهنمای برنامه درسی آموزش زبان عربی دوره متوسطه نظری و فنی و حرفه‌ای، ۱۳۹۱، ص. ۷).

اهداف کلی برنامه درسی زبان عربی در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی شامل توانایی ترجمه عبارات ساده دینی، تقویت تلفظ و درست‌خوانی، تشخیص ویژگی‌های صرفی و نحوی، ایجاد علاقه به زبان عربی، استفاده کاربردی از آیات و احادیث و توانایی

به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های زندگی مانند سفرهای زیارتی است. (راهنمای برنامه درسی عربی راهنمایی و متوسطه، ۱۳۹۰، ص. ۲۴).

زبان عربی در مقطع متوسطه اول و دوم تدریس می‌شود. در متوسطه اول، تمرکز بر آموزش انواع اسم، زمان افعال، وزن‌های ساده کلمات و ترکیب‌های و صفی و اضافی است. در متوسطه دوم، باتوجه به رشته تحصیلی، آموزش قواعد به مباحث صرفی و نحوی و ترجمه افعال گسترش می‌یابد؛ و تأکید اصلی در آموزش قواعد بر نکات ترجمه‌ای است. این پژوهش به بررسی میزان تحقق اهداف آموزشی در محتوای کتاب‌های درسی زبان عربی می‌پردازد و نشان می‌دهد که همسویی بین اهداف آموزشی، محتوا و ارزشیابی چگونه می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری کمک کند.

۴_ روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی-کیفی است. نمونه پژوهش شامل استادان زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های تهران، یزد و رفسنجان است. نمونه‌های مورد بررسی شامل ده استاد از دانشگاه‌های تهران، یزد، ولیعصر، فرهنگیان (شهید مفتاح، شهدای مکه، شهید باهنر) و آزاد اسلامی است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و شامل اساتید صاحب‌نظر در آموزش زبان عربی در مدارس و محتوای آموزشی کتاب‌های درسی عربی جدید است.

برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه کاملاً ساختاریافته استفاده شده و داده‌های به‌دست‌آمده با کدگذاری، تجزیه و تحلیل شده‌اند.

دانشگاه	تهران	یزد	ولیعصر	فرهنگیان	آزاد اسلامی
مرد	۱	۱	۱	۳	۲
زن	-	-	-	-	۲
مجموع	۱	۱	۱	۳	۴

۵_ نتایج و بحث

۵-۱ سؤال اول: تا چه حد محتوای آموزشی کتاب‌های درسی عربی با اهداف آموزش زبان عربی تناسب دارد؟

الف) توانایی ترجمه عبارات ساده دینی و عبارات عربی موجود در متون فارسی

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۳	کثرت آیات و احادیث در کتاب‌ها.
متوسط	۲	۱. بالاتر بودن سطح بعضی از متون، ۲. متون جالب از لحاظ موضوعی.
کم	۴	۱. عدم تناسب میان محتوا و ساعات تدریس، ۲. عدم توجه به آیات و احادیث در بعضی متون، ۳. بالاتر بودن سطح برخی آیات و احادیث از سطح فهم دانش‌آموز، ۴. عدم توجه محتوا به آموزش فنون ترجمه، ۵. عدم توجه به اصل ساده به پیچیده رفتن مطالب.
خیلی کم	۱	عدم توجه متون به بافت فرهنگی و موقعیتی زبان عربی.

به‌طور کلی استادان معتقدند محتوا تأثیر زیادی در تحقق هدف ترجمه دارد و با استفاده فراوان از آیات و احادیث در کتاب‌ها، توجه کافی به این هدف شده است؛ اما در کاربرد این آیات و احادیث اشکالاتی است که منجر به کاهش تناسب محتوا با این هدف می‌شود؛ از جمله: استفاده از آیات و احادیث نامتناسب با سطح دانش‌آموزان و بالاتر از سطح درک و فهم آن‌ها، بی‌توجهی به فنون ترجمه، تناسب نداشتن حجم محتوا با ساعات تدریس، عدم توجه محتوا به بافت موقعیتی و فرهنگی جامعه عربی. نظر یکی از اساتید این‌گونه است:

«متون کتاب دهم، به‌جز دو درس محتوای سختی دارند. هرچند که این متون مناسب ترجمه هستند؛ اما سختی متن و کمبود زمان باعث می‌شود در رسیدن به این هدف ناتوان باشیم.»

استاد دیگری معتقد است:

«اولاً سطح کتاب‌های عربی متوسطه اول و دوم در بیان واژگان تفاوت زیادی دارد، ترجمه در متوسط دوم نیاز به دانش دستوری دارد که دانش‌آموز هنوز کاملاً آن را به دست نیاورده است، ثانیاً در متوسط اول ترجمه بیشتر حفظی است و وارد بحث ترجمه نشده است و ثالثاً سطح و نحوه ارزشیابی در دو مقطع متفاوت است.»

استاد دیگری به برخی معایب محتوای متون برای تقویت مهارت ترجمه اشاره می‌کند:

«تا حدی محتوا خوب است؛ ولی تنوع ندارد. متن درس‌ها که وظیفه آشنایی با ترجمه را دارند، متون جذاب و هماهنگی نیستند؛ برخی خیلی ساده و برخی دشوارتر از سطح توانایی دانش‌آموز است. بوی فارسی بودن نیز در برخی درس‌ها کاملاً مشخص است؛ مثلاً متن درس ۴ کتاب دهم.»

استادی نیز در مورد نحوه پرداختن محتوا به آن، معتقد است:

«ترجمه آیات و احادیث در کتاب درسی آمده اما محتوا امتیاز کمی می‌گیرد، چون کتاب مطلب را اصولی مطرح نکرده؛ یعنی اول باید فنون ترجمه را بگوید. در غیر این صورت دانش‌آموز ترجمه را حفظ می‌کند و بعد فراموش می‌کند که تأثیر زیادی ندارد و ممکن است تأثیر منفی در دانش‌آموز ایجاد کند چون خیلی از دانش‌آموزان اصلاً به آیات و احادیث دقت نمی‌کنند و این در بهبود دین‌گزینی دانش‌آموزان کمکی نمی‌کند.»

ب) تقویت توانایی تلفظ درست واژگان و درست‌خوانی عبارات

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۱	محتوای کتاب خوب است اما فرصت کافی برای تدریس آن نیست.
متوسط	۲	۱. استعداد دانش‌آموز، ۲. کتاب گویا.
کم	۴	۱. عدم تناسب میان حجم کتاب و وقت کلاس، ۲. آگاه نکردن دانش‌آموزان به ضرورت تلفظ، ۳. نپرداختن محتوا به آموزش تلفظ، ۴. نبودن فضای مکالمه در کتاب.
خیلی کم	۲	عدم توجه محتوا به آموزش تلفظ.
ممتنع	۱	ارتباط این هدف به استعداد دانش‌آموزان.

باتوجه به نظر استادان، نمی‌توان تنها با اتکا به محتوا به این هدف رسید؛ چرا که یادگیری تلفظ مرتبط با عوامل متعدد است؛ از جمله: دانش‌آموزان و میل آنان به یادگیری تلفظ، استعداد ذاتی افراد در تلفظ و امکانات آموزشی و وقت کلاس‌های درسی که با حجم کتاب تناسب ندارد.

یکی از اساتید در مورد نقش محتوا در آموزش تلفظ معتقد است:

«از محتوا نمی‌توان این انتظار را داشت؛ چرا که تلفظ ذوقی و استعدادی است، ولی دانش‌آموزان ضعیف هستند و این ضعف به بی‌توجهی آن‌ها برمی‌گردد.»

استاد دیگری نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«محتوا می‌تواند کمک کند در صورتی که زمان مناسب داشته باشد، اما به هدف نمی‌رسد چون با کمبود وقت مواجه است.»

استاد دیگری در تأثیر نقش محتوا عقیده دارد:

«در تمام کتاب‌ها هیچ راهکاری برای تمرین تلفظ و درست‌خوانی پیش‌بینی نشده است. معلم می‌خواند و با وقت کم و حجم کتاب، فقط می‌تواند قواعد را درس بدهد، ترجمه کند و تمرین حل کند.»

ج) توانایی تشخیص ویژگی‌های مهم و ساده و پرکاربرد صرفی و نحوی کلمات

پاسخ	فراوانی	دلایل
متوسط	۱	تناسب محتوا و قواعد در بعضی از دروس زیاد است و در بعضی کم.
کم	۹	۱. عدم تناسب میان متن درس و قواعد و کمبود مثال‌های مناسب، ۲. رعایت نکردن تقدم و تأخر در بیان قواعد، ۳. بیان قواعد به شکل ناقص یا غیراصولی در آموزش زبان، ۴. آموزش قواعد سنگین در یک درس با توضیح کم و مبهم، ۵. عدم توجه به علم صرف و نحو، ۶. کم‌بودن تمرین‌های مرتبط با قواعد در هر درس، ۷. عنوان‌گذاری اشتباه.

رویکرد ترجمه‌محور به جای قواعدمحور مزیت بزرگی در تدوین کتب جدید است، اما بیشترین ایرادات اساتید نیز به این هدف و

عملکرد محتوا به آن وارد شده است. مهم‌ترین این ایرادها در جدول بیان شده است.

یکی از استادان در این زمینه می‌گوید:

«متن درس هیچ کمکی به قواعد نمی‌کند و هیچ ارتباطی میان متن و درسنامه وجود ندارد مگر ۱۰٪»

استاد دیگری معتقد است:

«قواعد باید به‌صورتی بیان شود که بتوانیم به خط‌به‌خط کتاب ارجاع دهیم ولی وقتی متن درس ۲ کتاب دوازدهم را بررسی می‌کنیم تنها ۴ مورد حال دیده می‌شود و حتی یکی از آن‌ها در قواعد درس ذکر نشده و به‌جای آن تمرین‌هایی را آورده که به مطالب سال‌های قبل پرداخته است، یعنی قواعدی را آموزش داده که مثال‌های مرتبط با آن در متن درس و تمرین‌ها نیست.»

نظر یکی از استادان این‌گونه است:

«در تدریس زبان می‌توان از دو شیوه استفاده کرد: شیوه شناختی به‌معنای آموزش زبان با استفاده از قواعد دستوری و شیوه رفتاری به‌معنای قرار گرفتن زبان‌آموز در واقعیت زبان و یادگیری آن با تکرار. کتاب درسی هیچ‌یک از این دو شیوه را به‌صورت عمیق به‌کار نگرفته و تنها به دادن اطلاعات سطحی از صرف و نحو پرداخته است.»

بسیاری از اساتید معتقدند که:

- «هیچ ترتیب منطقی در بیان قواعد وجود ندارد. برخی ساده و برخی بسیار سنگین است و نظم منطقی در بیان قواعد نیست؛ مثلاً جمله اسمیه و فعلیه را می‌گوید، بعد فعل مجهول و بعد اسم فاعل و اسم مفعول و صیغه مبالغه که بهتر بود بعد از اوزان مزید آورده شود یا در افعال مزید آموزش از اوزانی آغاز می‌شود که کمترین حرف زائد را دارند درحالی‌که در کتاب این‌گونه نیست.»

- «قواعد به‌خصوص در کتاب دوازدهم خیلی کم بیان شده است و با توجیه قابل فهم بودن برای دانش‌آموز، ناقص بیان شده است. همچنین نحوه بیان بعضی مطالب به‌خصوص افعال به دانش‌آموزان ضربه زیادی وارد کرده است.»

- «قواعد در این کتاب به‌عنوان نمکی در آش آمده است. خواسته است کتاب ساده باشد اما نمی‌توان یک قاعده را آورد دیگری را نه؛ زیرا درنهایت به ترجمه آسیب می‌رساند. مثلاً در بحث ترجمه فعل مضارع منصوب و مجزوم به این اشاره نمی‌کند که از لحاظ حرکتی چه اثری بر ترجمه می‌گذارند.»

- «حجم قواعد در برخی از دروس سنگین است، مثلاً درس ۵ کتاب دهم هم‌زمان فاعل و مفعول و مبتدا و خبر و صفت و مضاف‌الیه را بیان کرده است. در انتخاب مثال‌ها ظرافت و گویایی رعایت نشده است؛ اولین مثال‌های قواعد درس ۵، آیات (اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ) و (يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ) است که مثال‌های مناسبی برای توضیح جمله اسمیه و فعلیه نیستند.»

«علم صرف و نحو مکمل یکدیگرند؛ و باید به گونه‌ای بیان شوند که به ترجمه کمک کنند؛ ولی در بحث علم نحو حتی اعراب و انواع آن در کتاب نیامده و تنها در کتاب انسانی اشاره‌ای به آن شده است. کتاب این دو علم را واضح و به تفکیک نگفته است و دانش‌آموز هم مثلاً فرق فاعل و اسم فاعل را نمی‌داند، یعنی کتاب در بحث علم صرف و نحو محلی از اعراب ندارد.»

در مورد عنوان‌گذاری اشتباه در عناوین قواعد اشکال افعال (افعال ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید)، جمله بعد از نکره (جمله وصفیه) و اسم فاعل و اسم مفعول و صیغه مبالغه و اسم تفضیل و اسم مکان (مشتقات) اشاره شده است که موجب سردرگمی دانش‌آموزان می‌شود.

(د) ایجاد علاقه به زبان عربی

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۱	استفاده از متون علمی جذاب و به‌روز.
متوسط	۲	تناسب موضوعات متون با رشته دانش‌آموز.
کم	۳	۱. واضح نبودن کاربرد محتوا برای دانش‌آموزان، ۲. کم‌بودن متن‌های زیبا و جذاب و به‌روز، ۳. ارتباط کم میان متن درس و تمرین، ۴. جدایی میان متن و قواعد و مبهم‌بودن کاربرد محتوا.
خیلی کم	۳	۱. ناتوانی دانش‌آموز در برقراری ارتباط با جهان عرب به واسطه محتوا، ۲. عدم تأثیر محتوا در جلب نظر دانش‌آموز به زبان و فرهنگ جهان عرب، ۳. عدم توجه کافی در انتخاب تصاویر، ۴. طولانی‌بودن دروس از لحاظ جلسات مورد نیاز، ۵. عدم توجه به رویکرد ارتباطی زبان.
ممتنع	۱	دیدگاه دانش‌آموز به زبان عربی.

به نظر بیشتر استادان عملکرد کتاب‌های درسی برای ایجاد علاقه کافی نیست و به نیاز سنجی مجدد و بازنگری احتیاج دارد. عامل اصلی در این زمینه دانش‌آموز و دیدگاه آن‌ها است. کتاب‌ها تلاش‌های خوبی برای نیازسنجی دانش‌آموزان انجام داده‌اند اما

به‌اندازه کافی به نیازهای دانش‌آموزان به این زبان و چگونگی محتوا در جهت رفع آن‌ها نپرداخته و به جامع امروز و پیشرفت‌هایش در علم و فناوری توجه نکرده‌اند؛ بنابراین مطالب به‌روز و متناسب با سرعت پیشرفت فناوری نیستند. این بی‌توجهی به نسل جدید سبب شده دیدگاهشان به زبان و درس عربی، نگاه کاربردی برای یادگیری نباشد؛ اما شایسته ذکر است که باتوجه به دیدگاه متخصصان و تجربت آن‌ها از کلاس‌های درس، دانش‌آموزان نسبت به متون و تمرین‌های مرتبط با رشته و موضوعات علمی یا داستانی یا دانش عمومی جدید، واکنش مثبت می‌دهند و با نیازسنجی بیشتر می‌توان عملکرد محتوا را بهبود بخشید.

یکی از اساتید در این زمینه می‌گوید:

«متون علمی با روحیات دانش‌آموزان سازگارتر و موافق با میل دانش‌آموزان است. مثل درس ۷ کتاب دهم و درس ۳ و ۶ کتاب یازدهم برای دانش‌آموزان جذاب است.»
اما نظر استادان دیگر این‌گونه است:

«بیشتر کتاب‌های درسی و عبارات موجود در آن نتوانسته است با دانش‌آموز ارتباط بگیرد.»

«اگر دانش‌آموز با واقعیت‌ها روبه‌رو شود می‌فهمد که کتاب کاربردی نیست.»

در راستای ارتباط کتاب با جهان عرب به این نقل‌قول می‌توان توجه کرد:

«تمرین‌ها از بافت فرهنگی و موقعیتی جدا شده‌اند و فقط یک سری جملات است بدون روح و فرهنگ. وقتی معلم این جملات را برای دانش‌آموزان ترجمه می‌کند، دانش‌آموز ترجمه را با فرهنگ فارسی مخلوط می‌کند و در این حالت ما یک زبان جدا و یک فرهنگ جدا داریم. هرچند ما یک سری ارتباطات فرهنگی با جهان عرب داریم اما این ارتباطات فرهنگی که در کتاب عربی دیده می‌شود تنها مربوط به ساحت قرآن و احادیث است و وارد ساحت‌های دیگر جهان عرب نمی‌شویم. اگر بخواهیم واقعیت یک نوجوان عرب را وارد کتاب‌ها کنیم متفاوت از محتوای کتاب‌های ما است؛ و چون ارتباط به‌وجود نمی‌آید پس علاقه‌ای هم ایجاد نمی‌شود.»
تحلیل محتوای کتب درسی شامل ابعاد درونی و بیرونی می‌شود، یک بعد بیرونی محتوای گرافیکی و تصویری کتاب است. بعضی از اساتید به این موضوع اشاره کردند:

«ایراد وارده به همه کتاب‌های درسی، دانش گرافیکی است. چون تصاویر، بی‌کیفیت هستند درحالی‌که تصاویر کتاب درسی باید جذاب باشد. همچنین در صنعت چاپ، تصاویر باید به‌گونه‌ای باشد که با حذف محتوای نوشتاری بتوان به‌واسطه تصویر مطلب را حدس زد درحالی‌که در کتاب‌های عربی چنین نیست.»

س) استفاده کاربردی از آیات و احادیث و سخنان پندآموز

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۲	زیاد بودن آیات و احادیث.
متوسط	۳	۱. استفاده بیشتر از آیات و احادیث نسبت به کتاب‌های سابق، ۲. نیازسنجی به صورت ناقص.
کم	۵	۱. سخت بودن آیات و احادیث نسبت به سطح دانش‌آموزان، ۲. کم بودن آیات مفید و کاربردی، ۳. طولانی بودن آیات و احادیث انتخاب شده، ۴. عدم انسجام در بیان آیات و احادیث، ۵. تمرکز بر ترجمه آیات.

به نظر استادان فراوانی آیات و احادیث به شرط به کارگیری هدفمند، نقطه قوت کتاب در رسیدن به اهداف حیطه عاطفی است؛ اما ایرادی که از جانب همه اساتید به محتوای کتاب‌ها در این زمینه وارد شده، پیچیدگی سطح آیات کتاب نسبت به سطح فهم دانش‌آموزان است؛ چنان‌که پیام برخی از آیات و احادیث بدون توضیح معلم ممکن است توسط دانش‌آموز دریافت نشود و با تمرکز کتاب و ارزشیابی‌ها بر ترجمه آیات، دبیران بیشتر وقت را صرف ترجمه آیات و احادیث می‌کنند؛ و فرصت کافی برای توضیح آیات در کلاس نیست. همچنین آیات و احادیث در تمرین‌ها به صورت پراکنده آمده است و دانش‌آموز نمی‌تواند میان آن‌ها ارتباط برقرار کند و به کار گیرد. آیات کمی در هر متن استفاده شده است و میان تمرین‌ها و متن درس از لحاظ موضوعی ارتباطی وجود ندارد؛ در نتیجه محتوا نمی‌تواند تأثیرگذاری این آیات و احادیث را تقویت کند.

این نقل‌قول به عدم تناسب سطح آیات و احادیث با سطح دانش‌آموزان اشاره می‌کند:

«در پایه متو سطر اول بهتر است ولی از پایه‌های متو سطر دوم نمی‌توان [به کاربرد آیات و احادیث پی‌برد] چون متون پیچیدگی بیشتری دارند و بیشتر تمرکز روی ترجمه است. اگر بخواهیم کلاس درس و محتوای کتب پندآموز باشد باید از جملات کوتاه استفاده کرد. در جملات طولانی دانش‌آموزان درگیر ترجمه می‌شوند و نمی‌توانند بر پندگیری تمرکز کنند.»

همچنین استاد دیگری به موضوعات آیات و احادیث اشاره می‌کند:

«باید آیات بهتر و کاربردی‌تری انتخاب شود و سطح آیات بعضاً بالاتر از سطح دانش‌آموز است.»

یکی از استادان به ارتباط میان موضوع درس و تمارین اشاره می‌کنند:

«بعضی از تمرین‌ها از لحاظ محتوایی متناسب با متن نیست، مثلاً متن درس درمورد حج است اما هیچ تمرینی به موضوع حج نپرداخته است. این عدم تناسب بر هدف اخلاقی اثر سوء می‌گذارد. درس چهارم کتاب دوازدهم درمورد امام سجاد است و باید تمرین هم متناسب با متن باشد یا احادیثی از امام سجاد گفته شود. متن درس ۱ کتاب یازدهم آیات سوره‌ی حجرات آمده که خوب و برای دانش‌آموز ملموس است؛ یعنی باید از موضوعاتی استفاده کرد که مبتلا به دانش‌آموز است.»

و) توانایی به‌کارگیری آموخته‌های درسی در موقعیت‌های زندگی

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۱	۱. اختصاص بخشی از دروس به حوار، ۲. استفاده از موضوعات به‌روز.
متوسط	۲	۱. نبودن حوار در همه درس‌ها و کتاب‌ها.
کم	۶	۱. نبودن انسجام در آموزش محتوا، ۲. کاربردی نبودن برخی از حوارها و تناسب نداشتن با زندگی دانش‌آموزان، ۳. متناسب نبودن عنوان حوار با موضوع مورد گفت‌وگو در آن.
خیلی کم	۱	۱. تناسب نداشتن بافت و فضای کتاب با آموزش مکالمه، ۲. مکالمه‌های غیرمنسجم و غیرکاربردی.

اختصاص دادن بخشی از هر درس به آموزش مکالمه گامی ارزشمند در راستای آموزش بهتر زبان عربی و تحقق اهداف آموزش

این زبان است؛ اما به این شرط که این آموزش طبق اصول آموزش زبان دوم/خارجی پیش برود. از جمله این اصول، مبتنی بودن

مکالمه‌ها بر مدار گفتمانی، تناسب میان موضوعات گفت‌وگو با موقعیت‌ها و شرایط زندگی، هدفمندبودن گفت‌وگوها، پیشرفت موضوعات متناسب با پیشرفت سطح درک دانش‌آموز و توجه به حوار در همه دروس و کتب است. استفاده از متن‌های به‌روز در رابطه با تکنولوژی از نقاط قوت این بخش است چراکه مورد نیاز و علاقه دانش‌آموز است و ارتباط بیشتری با زندگی روزمره دانش‌آموز دارد، اما کم استفاده شده است.

یکی از اساتید در نظر خود به همه بخش‌های محتوا و مشکل عام کتاب‌های درسی، می‌پردازد:

«ما نمی‌دانیم در این کتاب چه چیزی را آموزش می‌دهیم؛ از هر قسمتی، بخش کمی را آموزش می‌دهیم؛ بنابراین محتوای کتاب [باتوجه به اینکه به هر بخش از زبان در حد اشاره پرداخته می‌شود] کاربردی نیست.»

استاد دیگری با ذکر نمونه‌های موفق در محتوا، به لزوم افزایش این موضوعات در کتاب اشاره می‌کند:

«حوار درس ۵ یازدهم خیلی خوب است، چون به‌روز و درمورد اصطلاحاتی است که دانش‌آموز با آن‌ها آشنا است. این جنس درس‌ها ایجاد علاقه می‌کند و به به‌کارگیری در موقعیت‌های زندگی منجر می‌شود. نیاز سنجی انجام شده اما باید بهتر کار شود تا دانش‌آموز در زندگی‌اش از آن‌ها استفاده کند.»

استاد دیگری می‌گوید:

«یکی از محسنات کتاب، حوار است اما به‌قدری حوار ساده است که شما اگر از فردی غیر از دانش‌آموز این سؤالات را پرسید می‌تواند جواب دهد. بهتر بود که مطالب از ساده به پیچیده بیان می‌شد و در کتاب دوازدهم به‌جای تمرین‌های تکراری، حوار گفته می‌شد که در موقعیت‌های مختلف به کمک او می‌آید. دانش‌آموز زمانی که با مطالب ارتباط بگیرد و آن را لمس کند، بهتر یاد می‌گیرد؛ درواقع با پرورش بحث حوار اهداف حیطه‌های عاطفی و مهارتی بهتر تحقق می‌یابد.»

استادان دیگر به محتوای حوار اشاره می‌کنند:

«دیالوگ‌ها غنی نیست و دانش‌آموز را وارد یک گفت‌وگوی واقعی نمی‌کند و مبتنی بر مدار موضوعی-گفتمانی نیست و با بافت موقعیت و فرهنگ ارتباط ندارد.»

«گفت‌وگوهای کتاب با موقعیت و شرایط زندگی دانش‌آموزان فارسی‌زبان متناسب نیست و هماهنگی ندارد و در بعضی از حوارها متن مکالمه با عنوان تناسب ندارد.»

۵-۲ سؤال دوم: تا چه حد اهداف آموزش زبان عربی به‌دست آمده است؟

الف) توانایی ترجمه عبارات ساده دینی و عبارات عربی موجود در متون فارسی

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۲	با روش تدریس و وقت مناسب می‌توان به اهداف رسید.
متوسط	۳	۱. باتوجه به پیش‌نیازها و یادگیری آن‌ها می‌توان به اهداف رسید. ۲. نگاه یادگیرنده و جامعه مهم است.
کم	۴	۱. عیب‌های وارد شده به محتوا تأثیرگذار است. ۲. وقت کافی برای تدریس خوب وجود ندارد.
خیلی کم	۱	محتوای آموزشی کتاب‌ها متناسب با بافت موقعیت و فرهنگ جوامع عربی نیست.

ترجمه متون عبارات ساده قرآنی و دینی هدف اصلی از آموزش زبان عربی است که اهمیت آن در اهداف عام و اهداف جزئی به وضوح دیده می‌شود. این هدف در محتوا و ارزشیابی نیز سهم زیادی دارد، هرچند عملکرد محتوا نیز بی‌نقص نیست و نیازمند اصلاحاتی است که در سؤال اول به آن پرداخته شد؛ اما عواملی جز محتوای کتاب نیز در موفقیت یا شکست محتوا تأثیرگذار است. مهم‌ترین این عوامل، ساعت تدریس کلاس عربی است به میزان دو ساعت در هفته که به نظر اساتید مهم‌ترین عامل خارجی مؤثر در دستیابی به همه اهداف است. عامل دوم، روش تدریس مناسب با هدف توانایی ترجمه است که با تدبیر معلم تا حد زیادی دانش‌آموزان را در فراگیری مهارت ترجمه متناسب با محتوای آموزشی کتاب یاری می‌دهد و در صورت داشتن زمان کافی می‌تواند نگاه منفی بعضی از دانش‌آموزان به زبان عربی را به عنوان عامل سوم در تحقق هدف به نگاه مثبت تبدیل کند؛ زیرا روش‌های تدریس مناسب فراگیر را درگیر یادگیری می‌کند و انگیزه دانش‌آموزان را در یادگیری افزایش می‌دهد؛ اما آنچه دیده می‌شود این است که این ترجمه تنها جنبه حفظی در ارزشیابی دارد.

یکی از استادان ۳ عنصر اساسی در آموزش را برمی‌شمرد:

«در هر کتاب درسی ما ۳ عنصر داریم: ۱. محتوا، ۲. مدرس، ۳. دانش آموز. کتاب درسی خیلی خوب است ولی حجم زیادی دارد و توانایی دانش آموز در سطح محتوا نیست، معلم هم وقت زیادی ندارد که خوب و کامل کار کند و با دانش آموز در روند یادگیری ارتباط برقرار کند. همه این عوامل سبب می شود که علی رغم محتوای خوب به هدف نرسیم.»

استاد دیگری به عامل وقت توجه کرده است:

«دبیر وقت ندارد متن های جدید بیاورد و کتاب طوری طراحی شده است که فرصت یک ساله فقط به تمام کردن کتاب می رسد نه حتی مرور یا تقویت مهارت ترجمه.»

استاد دیگری روش تدریس را مطرح کرده است:

«محتوای تنها دخیل نیست و شیوه آموزش مهم است. اگر با شیوه درست آموزش دهیم تا حد زیادی دانش آموزان به هدف می رسند.»

استاد دیگر نیز به حفظی بودن خروجی این هدف می پردازد:

«خوب به هدف می رسند چون تکرار مکررات در کتاب زیاد است درزمینه آیات و احادیث [باتوجه به نظر استاد دیگر این عملکرد در ارزشیابی خوب است]؛ اما هدفمند نیست. بهتر بود آیات کمتر اما هدفمند به همراه آموزش فنون ترجمه می آمد و گرنه دانش آموز ترجمه را حفظ و بعد فراموش می کند.»

ب) تقویت توانایی تلفظ درست واژگان و درست خوانی عبارات

پاسخ	فراوانی	دلایل
متوسط	۲	کتاب گویا.
کم	۵	۱. ضعف محتوا در بیان قواعد تلفظ، ۲. زمان کم، ۳. انگیزه کم دانش آموزان به یادگیری عربی، ۴. تشابه زبان های فارسی و عربی.
خیلی کم	۳	۱. اختصاص نیافتن هیچ بخشی از محتوا به آموزش تلفظ در کتاب، ۲. متخصص نبودن دبیران درزمینه تلفظ،

۳. وقت کم،		
۴. نداشتن جایگاه در ارزشیابی.		

علی‌رغم تهیه کتاب گویا دلایل عمده‌ای منجر به شکست این هدف می‌شوند؛ از جمله کمبود وقت، تخصص نداشتن دبیران در تلفظ حروف و عدم اتخاذ روش‌های تدریس مناسب که به تقویت این هدف کمک می‌کند، عدم توجه محتوا به برخی قواعد تلفظ مهم یا کاربردی در کتاب حتی در حد اشاره و تشابه زبان فارسی و عربی در ادای حروف و کلمات. هرچند اشاره به این نکته ضروری است که محتوای نوشتاری تأثیر زیادی در تقویت تلفظ که وابسته به مهارت شنیدن و خواندن است، ندارد و استعداد دانش‌آموز و میل و انگیزه‌ی او نیز تأثیر زیادی در دستیابی به هدف دارد.

یکی از اساتید ۳ عامل تأثیرگذار در این هدف را این‌گونه برمی‌شمرد:

۱. مشکل داشتن مدرس در تلفظ،

۲. عدم اختصاص هیچ بخشی از کتاب به آموزش تلفظ،

۳. کمبود وقت.

این ۳ عامل در نظرات اکثر اساتید در این زمینه مشاهده می‌شود. مثلاً:

«درست‌خوانی ارتباط زیادی با محتوا ندارد ولی فایل صوتی ارائه شده است. اگر دانش‌آموزان استفاده کنند به هدف می‌رسند؛ اما

حجم کتاب بالا و وقت کلاس کم است. بعضی از مدرسین در تلفظ تخصص ندارند.»

یکی از اساتید ارتباط زبان فارسی و تأثیر آن بر آموزش زبان عربی را مطرح می‌کند:

«نقطه ضعفی که آموزش زبان عربی در ایران دارد این است که کسانی که متولی امر آموزش هستند تلفظ را نمی‌دانند یا به کار

نمی‌بندند؛ و فقط با آوردن متن دانش‌آموز مجبور نمی‌شود تلفظ را درست کند. باید فضا، فضای مکالمه باشد که در ایران سخت

است؛ چون واژگان خیلی آمیخته است و یکسان تلفظ می‌شود.»

استاد دیگری به امکانات لازم و تربیت نیروی انسانی وابسته به این امکانات اشاره می‌کند:

«کتاب گویا هست، اما امکانات لازم برای پخش کتاب گویا در مدارس و حتی دانشگاه فرهنگیان نیست؛ یعنی در تربیت معلم هم

ما امکانات لازم برای تربیت دبیر در این زمینه نداریم و معلم را مسلح نکردیم برای تلفظ.»

(ج) توانایی تشخیص ویژگی‌های مهم و ساده و پرکاربرد صرفی و نحوی کلمات

پاسخ	فراوانی	دلایل
متوسط	۲	بیان قواعد به صورت ناقص.
کم	۷	۱. معایب محتوا، ۲. کمبود زمان، ۳. روش‌های تدریس نامناسب،
خیلی کم	۱	معایب محتوا.

همه متخصصان دستیابی به هدف را در وهله اول مشروط به محتوای خوب دانسته‌اند و ایرادهای اساسی به محتوا وارد کرده‌اند که در سؤال اول بررسی شد. در وهله دوم ۲ عامل اساسی در تحقق اهداف یا شکست آن شامل وقت کافی و روش تدریس مناسب بود که وابسته به نیروی انسانی متخصص در امر تدریس است. نقش این دو عامل در همه اهداف و حیطه‌ها دیده می‌شود. به این نقل قول توجه کنید:

«متن درس هیچ ارتباطی با درسنامه ندارد و این ضعف عمده کتاب است که در تحقق اهداف تأثیر گذاشته، به این دلیل که فرصت تمرین و تکرار در جهت یادگیری را از دانش‌آموزان می‌گیرد و زمان کافی برای پرداختن به تمرین‌های خارج از کتاب هم وجود ندارد.»

استاد دیگری به معلم متخصص اشاره می‌کند:

«...مشکل اینجا است که معلم [نیروی انسانی متخصص در رشته عربی] به اندازه کافی نبوده است، بنابراین ساعات تدریس و حجم درس‌ها را کم و محتوا را ساده کرده‌اند؛ و از هر مطلب یک تکه‌ای آورده‌اند و در درس قرار داده‌اند و...»

استاد دیگری نیز معتقد است که: «موفقیت در حیطه شناختی به زمان مناسب برای تدریس برمی‌گردد. دو فاکتور باید درست باشد تا محتوا مؤثر واقع شود؛ زمان و نیروی انسانی کارآمد. شیوه تدریس باعث می‌شود که به صورت گذرا به آن قاعده پرداخته شود و در درس‌های بعد مثال‌های زیادی نیست.»

(د) ایجاد علاقه به زبان عربی

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۱	متون جذاب و علمی و به‌روز.
متوسط	۱	جدایی میان متن و قواعد.
کم	۷	۱. ضعف در تألیف کتاب و مشکلات محتوا، ۲. رغبت کم دانش‌آموزان به یادگیری زبان عربی، ۳. ارتباط کم میان محتوا و نیازهای دانش‌آموزان، ۴. مبهم بودن کاربرد محتوا در زندگی، ۵. نقش معلم در ایجاد انگیزه.
خیلی کم	۱	عدم تناسب میان انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری و محتوای کتاب.

متخصصان معتقدند که عامل اصلی در تحقق این هدف، دانش‌آموز، دیدگاه‌ها و نیازهای او است؛ بنابراین در تهیه محتوای مناسب، دانش‌آموز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در بررسی محتوای مشخص شد که باتوجه به علایق و نیازهای دانش‌آموزان محتوای آموزشی به نیازسنجی و بازنگری احتیاج دارد. به‌جز دانش‌آموز و محتوا عوامل دیگری در ایجاد علاقه تأثیر دارند که اساتید به جامعه و نگاه آن به زبان عربی و عوامل سیاسی، اقتصادی و... اشاره کردند.

یکی از اساتید در این زمینه نظر خود را به محتوا اختصاص می‌دهد:

«محتوا در این زمینه خوب است هرچند باید به‌روزتر شود، یعنی موضوعاتی که دانش‌آموزان دوست دارند پررنگ‌تر شود و در

کنارش مطالب دینی مرتبط با آن موضوعات جذاب بیاوریم تأثیرگذاری بیشتر می‌شود.»

نظر یکی از اساتید در مورد دانش‌آموزان و نگاه آن‌ها به زبان عربی این‌گونه است:

«انگیزه دانش‌آموزان، بیشتر، خارج از کتاب درسی است؛ و دانش‌آموزان به درس عربی به‌عنوان یک زبان ارتباطی یا زبانی در

خدمت علم نگاه نمی‌کنند.»

یکی دیگر از اساتید به تأثیرگذاری برخی عوامل در دستیابی به هدف یا شکست در تحقق آن می‌پردازد:

«دو مقوله در رسیدن به هدف تأثیرگذارند: ۱. انگیزه دانش آموز؛ چرا که دانش آموزان امروز به سادگی چیزی را نمی پذیرند و باید مطالب متناسب با نیازشان باشد که آگاهی به زبان عربی و کاربرد آن در دانش آموز ایجاد شود. کتاب های عربی ما با توجه به باز خورد دانش آموز در کلاس ها (که البته درست است اما دانش آموز متوجه آن نیست) رنگ و لعاب دینی اش زیاد شده است، چون هدف گذاری برنامه درسی این است؛ اما دانش آموز نمی داند که قرآن می خواند یا عربی؟ باید متون دینی ای را انتخاب کنیم که حرف دل بچه ها باشد تا علاقه ایجاد شود. متون دینی با این توصیف ها کم است. ۲. معلم ها جاذبه زیادی در دانش آموز ایجاد نمی کنند، ساده ترین این جاذبه می تواند از لحاظ ظاهر و پوشش باشد.»

استاد دیگری نیز به مبهم بودن کاربرد این زبان برای دانش آموزان اشاره می کند:

«ارتباط میان دانش آموز و این زبان به وجود نمی آید پس علاقه ای هم ایجاد نمی شود. چون دانش آموز نمی داند که این محتوا را کجا باید به کار گیرد، در نتیجه انگیزه یادگیری ایجاد نمی شود.»

و استاد دیگر به نقش عوامل خارج از مدرسه می پردازد:

«عوامل زیادی در ایجاد علاقه دخیل است؛ از جمله عوامل سیاسی و اقتصادی. اخیراً روابط با کشورهای عربی بیشتر شده است اما تا ایجاد علاقه راه زیادی دارد.»

س) استفاده کاربردی از آیات و احادیث و سخنان پندآموز

پاسخ	فراوانی	دلایل
زیاد	۱	وفور آیات و احادیث در کتاب های درسی.
متوسط	۱	۱. معایب محتوا، ۲. نیازسنجی ناقص.
کم	۷	۱. پیچیده بودن آیات و احادیث، ۲. کمبود زمان برای توضیح آیات و احادیث، ۳. عدم تناسب میان موضوع آیات و نیازهای دانش آموزان، ۴. نداشتن نگاه کاربردی به آیات توسط دانش آموزان.

خیلی کم	۱	نگاه غیر کاربردی و مبهم دانش‌آموزان به آیات.
---------	---	--

اکثر اساتید نظر خود را متناسب با عملکرد محتوا به این هدف بیان کرده و باتوجه به ملاحظات که در خصوص محتوا پیش از این ذکر شد میزان تحقق این هدف را «ضعیف» مشخص کرده‌اند. ایراد اساسی در این شکست به عملکرد محتوا در انتخاب آیات و احادیث مناسب و بیان آن‌ها در جایگاه مناسب وارد شده است؛ و برای انتخاب آیات و احادیث اصولی را مشخص کرده‌اند؛ از جمله قابل فهم بودن و تناسب با میزان درک دانش‌آموز و کاربردی بودن احادیث و آیات و ارتباط آن‌ها با زندگی دانش‌آموزان، تأثیرگذاری آیات و احادیث در متون با ارائه شرح یا مثالی از آن‌ها در قالب داستان و زمان و معلم. تاحدی که کمبود هر یک باعث می‌شود نتوان به اندازه کافی به تبیین آیات و احادیث و کاربرد آن‌ها در زندگی پرداخت. بدون رعایت این اصول و عوامل، تغییر نگاه منفی دانش‌آموزان نسبت به آیات و احادیث به دیدگاه مثبت دشوار است.

یکی از اساتید باتوجه به دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به دین و زبان عربی نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«افق دید دانش‌آموزان پایین آمده و اقبال چندانی به یادگیری این زبان نشان نمی‌دهند و این عامل، محتوا را بی‌اثر می‌کند.»

استاد دیگری نیز معتقد است:

«مطالب متناسب با ارزش‌های اخلاقی است اما اینکه چقدر تحقق پیدا کرده است، بستگی به میل و ظرفیت دانش‌آموزان و تبیین

معلم و اختصاص وقت به آن دارد.»

اساتید دیگر نیز به عملکرد محتوا و دبیر و کمبود وقت اشاره می‌کنند:

«محتوای عربی رویکرد تربیتی خوبی دارد اما با این شرط که معلم کمک کند و در تجربه زیسته دانش‌آموزان نمود پیدا کند.

عواملی چون وقت کم کلاس و نگرانی معلم برای آموزش کامل محتوا باعث می‌شود علی‌رغم محتوای خوب به هدف نرسیم.»

«از جهت تکرار، کتاب خوب عمل کرده است اما از جهت سطح آیه و تناسب آن با سطح دریافت دانش‌آموزان نه. چراکه نیاز به

توضیح معلم دارد و باتوجه به ساعات کم تدریس، معلم نمی‌تواند توضیح دهد.»

(و) توانایی به کارگیری آموخته‌های درسی در موقعیت‌های زندگی

پاسخ	فراوانی	دلایل
کم	۸	۱. معایب محتوا، ۲. وقت کم، ۳. روش تدریس نامناسب.

خیلی کم	۲	۱. حوارهای غیر کاربردی، غیر منسجم و غیر اصولی از لحاظ آموزش زبان خارجی، ۲. عدم رغبت دانش آموز به یادگیری این زبان به دلیل آگاه نبودن از ضرورت یادگیری آن.
---------	---	--

در زمینه حوار اکثر اساتید علاوه بر ملاحظات محتوا بر دو عامل «وقت مناسب» و «روش تدریس مناسب» - که وابسته به نیروی انسانی متخصص است - تأکید کرده‌اند.

یکی از اساتید در این زمینه می‌گوید:

«عملکرد کتاب‌ها نسبت به نظام قدیم بهتر شده است؛ ولی مکالمه در حدی نیست که بچه‌ها خوب یاد بگیرند و به کار بندند. البته ایراد از روش تدریس و نظام آموزشی و حجم بالای کتاب است و اینکه به معلمان شیوه آموزش حوار، آموزش داده نشده است.»

یکی از اساتید به نقش محتوا و حوار در تجربت زیسته دانش آموزان اشاره می‌کند:

«یکی از اهداف این درس زبان آموزی است. مهارت را چطور می‌توان ارزیابی کرد؟ مثلاً بتواند خودش را به عربی معرفی کند، یا در نماز تلفظ صحیح را رعایت کند؛ یعنی تجربه زیسته کسب کند. دانش آموزان در ارزشیابی نمره کامل می‌گیرند اما در عمل به اهداف نمی‌رسند.»

یکی دیگر از اساتید به موضوعات حوار می‌پردازد:

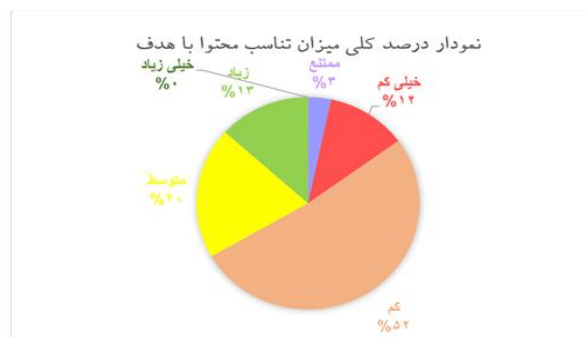
«درس‌های به‌روز و متناسب با علایق دانش آموزان، تأثیر زیادی در به کارگیری آموخته‌ها دارد؛ چون دانش آموز آن را دنبال می‌کند؛ اما این درس‌ها خیلی کم است و در همه پایه‌ها نیست. وقتی هدف در پایه دهم تحقق پیدا نمی‌کند به سختی می‌توان گفت در پایه‌های بالاتر تحقق پیدا می‌کند.»

استاد دیگری عقیده دارد که محتوای کتاب بر مبنای آموزش زبان نیست:

«مشکل کتاب‌ها در آموزش زبان این است که بافت فرهنگ و اجتماع را کنار گذاشته و یک سری دیالوگ پراکنده و بی‌ربط آورده

که همان‌ها هم براساس فرهنگ فارسی آموزش داده می‌شود.»

نمودار درصد کلی میزان تناسب محتوا با اهداف



نمودار درصد کلی تحقق اهداف



۶_ نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد محتوای کتاب‌های درسی عربی تنها تا حد متوسطی با اهداف برنامه درسی همخوانی دارد. مهم‌ترین چالش‌ها شامل عدم تناسب متون با قواعد دستوری، ترتیب نامناسب آموزش مفاهیم، بیان ناقص قواعد، کمبود تمرین‌های مرتبط و استفاده از آیات نامتناسب با سطح دانش‌آموزان است. این کاستی‌ها نه تنها بر یادگیری زبان عربی تأثیر منفی گذاشته، بلکه به کاهش علاقه دانش‌آموزان نیز انجامیده است. در میان اهداف آموزشی، تقویت مهارت‌های تلفظ و درست‌خوانی کمترین موفقیت را داشته‌اند.

عوامل خارجی مؤثر شامل ساعات محدود درسی، کمبود امکانات آموزشی، نیروی انسانی و نگرش جامعه به زبان عربی است. با این حال، با برنامه‌ریزی دقیق‌تر، توانمندسازی دبیران از طریق دانشگاه فرهنگیان و بهبود محتوای آموزشی می‌توان به پیشرفت قابل توجهی دست یافت. به‌ویژه در زمینه ترجمه متون ساده دینی، با انتخاب محتوای مناسب و هماهنگی عوامل آموزشی، امکان دستیابی به اهداف وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین در این حوزه همسو است.

۷_ منابع و مآخذ

کتاب‌ها

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی. (۱۳۹۰). راهنمای برنامه درسی زبان عربی دوره متوسطه نظری و فنی حرفه‌ای. تهران: هیئت تألیف کتاب‌های درسی.

_____ (۱۳۹۱). راهنمای برنامه درسی زبان عربی دوره متوسطه نظری و فنی حرفه‌ای. تهران: هیئت تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.

شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (جمع‌آوری توسط فتاحی، م؛ و کوهی اصفهانی، ک.). تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. چاپ ۴۳ ام، ویرایش هفتم. تهران: دوران.

_____ (۱۳۹۶). سنجش فرآیند و فرآورده یادگیری (روش‌های قدیم و جدید). چاپ پنجم. تهران: دوران.

ملکی، حسن. (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). چاپ ششم. تهران: مدرسه.

هیئت تألیف کتاب‌های درسی. (۱۳۹۵). عربی، زبان قرآن دهم. چاپ اول. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

مقالات

تقی‌زاده، هدایت‌الله؛ و ناصری سراب بادی، احسان. (۱۳۹۹). «ملاک‌های تحلیل و سازماندهی محتوا در آموزش زبان عربی (مطالعه موردی: کتاب عربی دهم غیر انسانی)». پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، پاییز ۲۰، (از ص ۱ تا ص ۱۷)

جمشیدی، فاطمه. بیانلو، علی. (۱۴۰۱). «ارزشیابی کتاب عربی پایه دهم متوسطه در مدارس ایران براساس پرسشنامه اسکر سو». در اسات فی تعلیم

اللغة العربية وتعلمها، ۶ (۱۲)، (از ص ۱۸۳ تا ص ۲۱۸). <https://doi.org/10.22099/jsatl.2022.44351.1170>

حکیم‌زاده، رضوان، متقی‌زاده، عیسی، سلطانی‌نژاد، نجمه. (۱۳۹۳). «بررسی میزان کارآمدی آموزش زبان عربی عمومی در مقطع متوسطه، از نظر دبیران و دانش‌آموزان شهر کرمان». جستارهای زبانی، ۶ (۲)، (از ص ۷۷ تا ص ۱۰۶).

_____ (۱۳۹۴). «بررسی مشکلات و چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران از نظر متخصصان». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۵ (۳۴)، (از ص ۳۷ تا ص ۵۹).

زارع، سجاد، کارگر، علی‌اصغر. (۱۳۹۶). «تحلیل تمارین کتاب العربية للصفین العاشر والحادی عشر المتوسطة الثانية بالمدارس الإيرانية فی ضوء تصنیف بلوم للأهداف المعرفية». دراسات فی تعلیم اللغة العربية وتعلمها، ۳ (۵)، (از ص ۱۱ تا ص ۲۶)

<https://doi.org/10.22099/jsatl.2019.27289.1024>

سیفی، طیبه، اشتاء، زهرالسادات. (۱۴۰۳). «تحلیل و نقد محتوای کتاب «عربی، زبان قرآن (۳) و (۲) پایه یازدهم و دوازدهم (رشته‌های علوم تجربی- ریاضی) براساس نظریه تایلر در بررسی ملاک‌های سازماندهی محتوا». پژوهش در آموزش زبان عربی، ۱۵ (۱)، (از ص ۵ تا ص ۲۲)

غلامی، اعظم، قربانی، محمدرضا. (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای کتاب زیست‌شناسی پایه دهم از نظر ملاک‌های تعیین، انتخاب و سازماندهی محتوا». آموزش پژوهی، ۷ (۲۸)، (از ص ۶۰ تا ص ۷۱)

لامعی، گیو، احمد، مقبولی، مریم. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی میزان اثربخشی آموزشی کتاب‌های تازه تألیف عربی متوسطه اول و دوم از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان شهرستان بیرجند». انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۱۴ (۴۹)، (از ص ۸۱ تا ص ۱۱۰)

متقی‌زاده، عیسی، حاجی‌زاده، مهین، خضری، کاوه. (۱۳۹۱). «نگاهی به کتاب عربی اول دبیرستان براساس الگوها و ملاک‌های تحلیل و سازماندهی محتوا». جستارهای زبانی، ۵ (۲)، (از ص ۲۳۷ تا ص ۲۶۰).

متقی‌زاده، عیسی، خضری، کاوه. (۱۳۹۲). «ارزیابی میزان موفقیت بخش متون عربی عمومی سال سوم دبیرستان از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان (مطالعه موردی: شهرستان پیرانشهر)». انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۹ (۲۶)، (از ص ۱۵۱ تا ص ۱۶۹).

وفایی، رضا، ملکی، حسن، علیپور، میکائیل. (۱۳۹۶). «بررسی جایگاه عناصر برنامه درسی در دیدگاه پست‌مدرن و نقد آن از دیدگاه مبانی تعلیم و تربیت اسلامی». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۵ (۳۵)، (از ص ۶۹ تا ۹۰).